



قیام مردم مسلمان ایران به رهبری آیت الله "کاشانی" و به قدرت رسیدن مجدد مصدق (1331ش)

وقتی که دکتر مصدق می‌خواست علاوه بر نخست وزیری، وزارت جنگ را نیز برعهده بگیرد، با مخالفت شاه مواجه شد.

وقتی که دکتر مصدق می‌خواست علاوه بر نخست وزیری، وزارت جنگ را نیز برعهده بگیرد، با مخالفت شاه مواجه شد. بنابراین مصدق استعفا داد و شاه هم بلافاصله احمد قوام را مأمور تشکیل کابینه نمود. در این میان آیت‌الله کاشانی که حضور دکتر مصدق را در نخست وزیری مفید می‌دانست با اتخاذ تصمیمی قاطع، بازگشت مصدق به نخست‌وزیری را خواستار شد. آیت‌الله کاشانی تهدید کرد، در صورتی که قوام کنار نرود اعلام جهاد کرده و کفن می‌پوشد و پیشاپیش مردم حرکت خواهد کرد. احمد قوام که مردی وابسته به استعمار و در خدمت دستگاه استبدادی بود، بلافاصله پس از نخست‌وزیری، نغمه شوم جدایی دین از سیاست را سر داد و لبه تیز حملات خود را متوجه رهبری نهضت یعنی آیت‌الله کاشانی و نیروهای مسلمان کرد. آیت‌الله کاشانی با انتشار اعلامیه‌ای به صدور فرمان نخست‌وزیری قوام السلطنه به شدت اعتراض نمود. به این ترتیب وقایع سی‌و‌تیر شکل گرفت و قیام عمومی مردم مسلمان، در شهرهای مختلف ایران آغاز شد. هرچند این تظاهرات به وسیله عوامل شاه به خاک و خون کشیده شد، اما در نهایت، شاه، عقب‌نشینی کرد و چون در رضایت و تطمیع آیت‌الله کاشانی توفیقی به دست نیاورد، مجبور شد، قوام را برکنار کرده و بار دیگر مصدق را به نخست‌وزیری مأمور سازد و وزارت جنگ را نیز به او بسپارد. مصدق پس از به دست‌گیری مجدد قدرت، سرلشکر وثوق عامل کشتار مردم بی‌گناه در جریان قیام را به معاونت وزارت جنگ منصوب نمود و چون آیت‌الله کاشانی به این عمل اعتراض کرد، مصدق در نامه‌ای، از آن روحانی مجاهد خواست تا در امور سیاسی مداخله ننماید. این عمل، پشتیبانی مردم را از مصدق برداشت و دولت مصدق که برای دومین بار در اثر مبارزات پیگیر مردم روی کار آمده بود، بیشتر از سیزده ماه دوام نیاورد و سرانجام با کودتای آمریکایی 28 مرداد سال 1332 شمسی، سرنگون شد.